

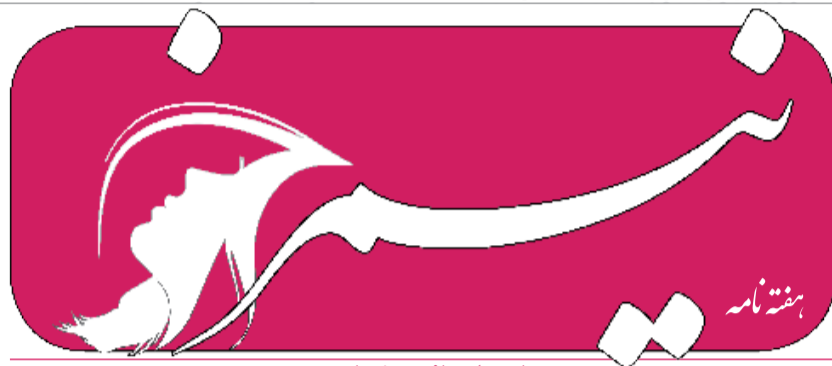


آناهیتا راتبزاد اولین زن سیاستمدار افغان بود که در سال ۱۹۶۵ به عنوان نامزد حزب دموکراتیک خلق افغانستان در دوره دوازدهم به شورای ملی افغانستان راه یافت و دو دور نماینده کابل در مجلس نمایندگان بود. او در همین سال سازمان دموکراتیک زنان افغانستان را بنیاد گذاشت. این سازمان یکی از اولین نهادهای فعال حقوق زنان در افغانستان به شمار می‌رود و سرانجام در سن ۸۳ سالگی در آلمان درگذشت.

## زندگی نامه



سال اول ■  
شماره ۲۱ ■  
دوشنبه ■  
۹ دلو ۱۳۹۶ ■  
قیمت ۱۰ افغانی ■  
Monday ■  
January 29, 2018 ■  
Vol. 1 ■  
No. 21 ■



این جا، چراغی روشن است

من نمی‌خواهم ادامه کار همان زن‌های بانم که همیشه نقاب گذاشته‌اند و همیشه از هویت‌شان و از بودن‌شان انکار کرده‌اند، من کار خود را با دید واقعی زن شروع کرده‌ام و ادامه می‌دهم.  
کریه شیرنگ

# برای تساوی جنسیتی نگاه‌ها به جهان باید از انحصار مردانه برآیند!

برای تغییر بلورهای ناپسند؛ معرفت‌شناسی، تلقی‌ها و تفاسیر زنانه باید

عرضه شود. زنان حق دارند به جهان از دید خود نگاه کنند، احساسات

و عواطف زنان به مراتب قوی‌تر نسبت به مردان است.



گزارش

گرفته شده از پایگاه اینترنتی کاروان

## دایره‌المعارف بزرگ زن

در طول تاریخ پر ماجرای بشر، زن تاریخی غم‌بار دارد و سرگذشتی بسیار که برای تبیین و تحلیل زندگی‌اش، در فصل‌ها و سده‌های مختلف باید سرمایه‌گذاری بیش‌تری کرد و دایره‌المعارف‌ها و گسترده‌ی این موجود را به دقت و با ژرفایی و ظرافت تا آینه‌ی آیین زن، شکل و شمایل زندگی او را انعکاسی روشن بخشد تا باشد دوران حیاتش را بهتر به نمایش گذارد. آنانی که برای شناخت این مهم، تنها بخشی از زندگی زن را مطالعه کرده‌اند و می‌خواهند از یک زاویه و یا از یک گوشه، مجموعه‌ی متفاوت زندگی او را بشناسند، عاقبت به قسمتی و زاویه‌ای هم از این ماهیت، دست نمی‌یابند، زیرا دیدهای گوشه‌ای و نگاه‌های زاویه‌ای نتیجه‌ی جز شناخت‌های محدود زاویه‌ای ندارند. برای شناسایی و شناخت زن باید دیدی به مجموعه‌ی زندگی انداخت و در ابعاد مختلف و زمان‌ها و قرن‌های گوناگون جای پای او را دید و میزان تاثیر حضور این مخلوق را، در رشد استعدادها، ایجاد حرکت‌ها و حرارت‌ها، جنگ و صلح و تکمیل حیات و بقای نسل... به دست آورد. باید دید زن از کجا آمده؟ دست‌توان مند آفرینش، گل

وجودش را از چه خاکی برداشته؟ لباس وجودش را از چه پشم و پنبه‌ای رشته؟ و این نهال را در چه سرزمینی کاشته است؟ آیا در کارگاه خلقت، زن آفرینشی جدای از مرد داشته؟ یا او را از همان جنس آفریده؟ و از کدام «نی» و کدام «نفخه»، «نفخه‌ی» حیات ملکوتی در او دمیده است؟ در تداوم حیات و بقای نسل و تکثیر مثل، نقش زن چه بوده است؟ در میدان اختراع و ابتکار و نوآوری، سهم زن را باید مشخص نمود. شکوفایی هنرها، خلق زیبایی‌ها و ظرافت و لطافت‌های زندگی تا چه حد مدیون تلاش‌های زن می‌باشد؟ سهم او در اداره‌ی اجتماع بشری، در تربیت انسان‌های شایسته و تبه‌کار چیست؟ در جنگ‌ها و لشکر کشی‌ها، قتل‌ها و غارت‌ها، شکست‌ها و پیروزی‌ها، حماسه‌ها و شور آفرینی‌های تاریخ، زن را چه جایگاهی است؟ حب و بغض‌ها، مهرها و کینه‌ها، حسادت‌ها و سخاوت‌ها، خودبینی‌ها و خود فدایی‌های بشر چه مقدارش مربوط زن می‌باشد؟ بالاخره این‌ها و ده‌ها موضوع دیگر، زمینه‌ی تحقیقات متخصصین رشته‌های علوم متنوع خواهد بود که دایره‌المعارف بزرگ زن را به وجود می‌آورد و تا اندازه‌ی شخصیت ناشناخته‌ی او را از جنبه‌های گوناگون می‌شناساند.

## رویکرد نیمه

### زنانی که اجازه بیرون رفتن از خانه را ندارند، چه گونه خشونت علیه‌شان را گزارش کنند؟

به نقل از Ariana news: «مقامات محلی سرپل خبر داده‌اند که یک دختر دوازده ساله در این ولایت پس از خوردن مرگ موش به صورت اشتباهی، جان باخته است.»  
اسدالله حبیبی آمر امنیت فرماندهی پولیس سرپل گفته است که دختری به نام فرشته در روستای بغاوی بلوچ مرکز این ولایت با خوردن مرگ موش به صورت ناخواسته، جان باخته. اسدالله حبیبی اضافه می‌کند که هر چند خانواده اش فرشته را به بیمارستان ولایتی سرپل رسانده بودند اما داکتران موفق به نجات وی نشده‌اند.  
برخلاف ادعای آمر امنیت اما مسوولین امور زنان ولایت سرپل در مورد این روی داد گفته است که: فرشته‌ی ۱۲ ساله در نتیجه خشونت‌های خانوادگی دست به خودکشی زده و سپس جان می‌یازد. به صورت دقیق‌تر نسیمه آرزو رییس امور زنان ولایت سرپل در مورد خودکشی فرشته گفته است: فرشته پس از مشاجره با مادرش ادویه مرگ موش خورده و سپس جان باخته است.  
این در حالی‌ست که مسوولین ریاست امور زنان چندی قبل از کاهش ۴۰

درصدی آمار خشونت‌ها در برابر زنان خبر داده بودند. اما فعالان مدنی این ولایت ابراز کرده‌اند که آمار قضایای خشونت کاهش نیافته بلکه به دلیل افزایش نا امنی بیش‌تر زنان قادر به ثبت قضایای خشونت‌ها نشده‌اند. سرپل یکی از ولایاتی تحت تسلط طالبان بوده و هست، بنابراین با در نظر داشت این مسئله: ما بارها و بارها شاهد خشونت و کشتار زنان در این ولایت بودیم. بارها مکاتب دخترانه مسدود شده و زنان را محاکمه‌ی صحرایی نموده‌اند. در این باره مسوولین ولایتی به صورت مکرر از افزایش نا امنی‌ها ابراز نگرانی نموده و اضافه کرده‌اند که: به دلیل مشکلات امنیتی کسی نمی‌تواند در این ولایت سفر کند تا از مشکلات و چالش‌های فراروی زنان آگاهی یابند و نیز افزایش نا امنی‌ها و حاکمیت طالبان باعث شده که بسیاری از قضایای محاکمه‌های صحرایی و خشونت علیه زنان پوشیده پنهان باقی بمانند.  
از آنجایی که ناامنی روز به روز شدت می‌یابد وضعیت زنان در مناطق امثال سرپل نگران کننده است. بدتر از همه زنان حتا نمی‌توانند به تنهایی بیرون از خانه و منطقه بروند، چه رسد به این‌که آن‌ها آمار خشونت علیه‌شان را ثبت و بیان کنند. با این حال به دور از سنجش ایده‌های رویایی برای حل مشکلات زنان، تنها یک پرسش باقی می‌ماند که: زنان در آنجا به کجا خواهد رسید؟ چه‌گونه زندگی خواهد کرد؟ سازمان ملل و مسوولین چه کاری برای بهبودی وضعیت در آنجا در نظر دارند؟ تا به کی دست زیر زنج گرفته منتظر خبرهای ناگوار از این ولایت باشیم؟

# زندگی نامه حمیده لسانی

## رییس «سازمان زنان توانمند»

ای برای خانه نشینی می‌دانستم و به دنبال تحصیل و کار در عرصه‌های فرهنگی نمی‌بودم اکنون تنها دغدغه ام این بود که وقتی عروسی می‌روم چه لباسی بپوشم؟ و فراتر از آن شب چه غذایی بپزم؟ اما اکنون در کنار تمام این دغدغه‌های در سطح وسیع‌تری به تمام زنان کشورم نیز می‌اندیشم و این دل انگیز است.

من با همان احساس تعهدی که در قبال زنان و کشورم دارم، در مدت کوتاهی در سازمان زنان که یک سازمان کاملن مستقل می‌باشد با هم‌کاری تمام هم‌کاران رضاکارم که پشتیبان خوب من و سازمان بودند و تمام پیشرفت‌های سازمان را مدیون آن‌ها هستم، ابتکارات خوبی به خرج داده که در قدم اول در حوضه اخذ بورسیه های تحصیلی داخلی و خارجی کار نموده و اولین «آموزش گاه و ترمیم گاه موبایل بانو» را در کابل افتتاح و هم‌چنان بخش صنایع دستی سازمان، بخش گوهر تراشی و گوهر شناسی برای بانوان، برنامه‌های آگاهی دهی، تولیدات وطنی مانند مربا و ترشی را فعال نموده که ده‌ها تن از بانوان عملن در آن جاها کار می‌کنند و از خدمات سازمان بهره می‌برند. من برای آینده نیز پلان‌های خوبی روی دست دارم که با هم‌کاری اعضای سازمان، حمایت مسوولین و مردم به مرحله اجرا خواهد گذاشت.

من دیدگاه‌هایی دارم که همیشه در گفته‌هایم بر روی آن‌ها تاکید دارم که:

۱. یک زن اگر خودش بخواهد و اراده کند هیچ مشکلی نمی‌تواند سد راه او باشد، زنان به اندازه‌ی توان‌مند هستند که بتوانند تمام موانع را به خوبی حل بسازند.  
۲. نگاه به زن نباید پروژه‌ای باشد، هر شخص می‌تواند تولید کننده و کار آفرین خوبی باشد.  
۳. در حوزه زنان باید کم‌تر شعار داده شود و بیش‌تر عمل صورت بگیرد.  
۴. اگر یک زن آموزش ببیند و آگاه باشد یک نسل آگاه خواهد شد.

۵. هر شخص اگر به یک هم‌وطن خود کمک نموده و یا تحولی در زندگی و دیدگاه‌شان به وجود بیاورد دین خود را نسبت به جامعه و زنان ادا نموده است.

تمام ساختارهای زندگی ام متشکل از همین دیدگاه‌هاست و با همین دیدگاه‌ها می‌خواهم به راهم ادامه دهم و از همه کسانی که تا اکنون کمک و حمایت کردند می‌خواهم بازهم مانند سابق حامی من باشند به شمول همسرم که ایشان نیز نقش براننده‌ای در تمام تحولات زندگی ام داشته.

زندگی نامه ام را به دست نشر سپردم تا اگر یک نفر هم خواننده آن باشد، در زندگی همان یک نفر شاید تلنگری باشد برای درک مشکلات که یک زن با آن مواجه است.

حمیده لسانی رییس سازمان زنان توانمند

با چه مشکلات و مشقت‌هایی روبه‌رو بوده ام از توان این نوشته خارج است که بماند پیش خودم. حالا که فرزندانم کمی بزرگ‌تر شده اند در کنار تمام کارهایی که قبلاً ذکر شده، ریاست کمیته های زنان «شورای چهل دختران» و کمیته زنان «شورای هماهنگی اقوام بهسود» را نیز به عهده گرفته و دستاوردهای خوبی برای زنان آن مناطق داشته ام، اما به خاطر این که بتوانم گام‌های عملی بهتری را در راستای پیشرفت زنان بردارم، اقدام به تاسیس یک نهاد زنانه به نام «سازمان زنان توانمند» یا شعار (خودکفایی زنان از طریق اشتغال و آموزش) کردم. چون با توجه به کارهای رسانه‌ای و تحقیقاتی زن در دوره ماستری خود برای زمان انجام داده بودم و مهم‌تر از همه این که من از همین سرزمینم و با تمام وجودم مشکلات زنان سرزمینم از فقر گرفته تا مهاجرت، کار شاقه، تحقیر، خشونت و... را با تمام وجودم درک کرده ام، فکر می‌کنم؛ می‌توانم در این حوزه به خوبی کار کنم.

به همین خاطر تعهد سپرده ام که صادقانه و به دور از شعار عمل کنم هم‌چنان که در زندگی خود به صورت عملی نشان دادم که زندگی زن‌شویی، فرزندان و مشکلات نمی‌تواند مانع تحصیل و پیشرفت یک زن باشد به شرطی که خودش بخواهد و به خودآگاهی درونی رسیده باشد و مدیریت زمان و برنامه درست داشته باشد. عملن نشان دادم که هر شخصی می‌تواند چندین کار را هم‌زمان به خوبی انجام داده و مدیریت کند. زمانی که به گذشته های دور برمی‌گردم و با خود می‌اندیشم اگر بعد از ازدواج در سن ۱۴ سالگی صرف به خانه داری و فرزند داری اکتفا کرده و ازدواج و زندگی مشترک را بهانه



شروع نمایم.

اگر نگاهی گذرا به زندگی نامه‌ی زن‌هایی که در این جغرافیا توانستند خود را به عنوان زن موفق ثابت بسازند ببیندازیم، این مسئله درک می‌کنیم که آن‌ها در بستری آسوده و راحت به این جایگاه نرسیده بل ناملایمات زیادی را سپری کرده اند. من کوچک‌تر از آن هستم که خود را زن موفق بدانم اما همین که با وجود ازدواج در سن خورد، داشتن چندین فرزند و کار اداری توانستم تحصیل خود را تا درجه ماستری پیش برده و حداقل دستاوردی داشته باشم خود را زنی پر تلاش می‌دانم و خدا را شاکر هستم که توانسته ام از هر تائیه زندگی ام استفاده بهینه را بنمایم و این که در تمام این دوران

در دیار مهاجرت و دور از وطن، در سن پنج سالگی از سایه پر مهر مادر و در سن شش سالگی از نعمت پدر محروم گردیدم.

بعد از وفات پدر و مادرم با همه‌ی چالش‌ها و فراز و نشیب‌های زندگی، در کنار برادرانم تا سطح متوسطه درس خواندم. در سن چهارده سالگی ازدواج نمودم و دو سال پس از ازدواج اولین فرزند دختر و به تعقیب آن دو فرزند دیگرم متولد شدند. به همین دلیل به مدت شش سال از تحصیل بازماندم. اما با تلاش‌های خودم و تشویق خانواده توانستم، به صورت شبانه در عالم مهاجرت درس را تا مقطع پیش دانشگاهی ادامه دهم. که در تمامی این مراحل نقش دو زن در زندگی ام خیلی برجسته هست اولین قهرمان زندگی ام خانم برادرم بود که تا سن ۱۴ سالگی نقش مهمی در تربیت و انگیزه دادن زندگی ام داشت و دومین قهرمان زندگی ام مادر همسرم بود که مانند کوه پشتم بود و حمایت می‌کردند و هنوز نیز حامی خوب من هستند و امید که سال‌های سال سبز باشند.

بعد از کنفرانس بن، با به وجود آمدن دولت موقت با انگیزه‌ی خدمت دوباره همراه خانواده به وطن بازگشتم. بعد از بازگشت نیز به دلایلی مشکلاتی، چند سالی از درس و دانشگاه به دور ماندم. اما هیچ‌گاهی داشتن مدرک دوازده مرا قانع نه‌کرد بلکه همیشه در تلاش ادامه تحصیلاتم بودم. بعد از اخذ وظیفه در وزارت انکشاف دهات و رسیدن به استقلال مالی و تلاش شبانه روزی، در رشته ژورنالیزم شبانه دانشگاه کابل کامیاب شدم. با مدیریت نمودن کارهای خود در کنار وظیفه‌ی اداری، پرستاری از پنج فرزند، رسیدگی به امورات منزل، تحصیلات خویش را نیز به خوبی پیش بردم. اما به این کارها قانع نه‌شدم و در کنار تمام فعالیت‌های ذکر شده در تلویزیون راه فردا نویسنده‌ی، کارگردانی و نطایقی برنامه سایه را نیز آغاز نمودم. من با اجرای برنامه سایه برخلاف همه اشخاص که از خشونت علیه زن و مظلومیت زن می‌گفتند، خواستم قدرت، خلاقیت، شجاعت، توان‌مندی و پیشرفت زنان افغانستانی را به نمایش بگذارم و از این طریق بانوان را تشویق نموده و انگیزه بدهم که زنان از حقوق و توان‌مندی های خود آگاه شده و در جامعه هم‌گام با مردان به تعالی برسند که تا هنوز این برنامه ادامه دارد.

بالاخره با تمام مشکلات توانستم در سال ۱۳۹۳ لیسانس خود را از رشته ژورنالیزم با موفقیت به پایان برسانم و به تعقیب آن دوره ماستری خویش را در رشته علوم سیاسی



**Brave ANDSF soldiers have modern equipment and the will to win in the fight against terrorist groups. Security forces will not waver in their mission to keep the people safe from these criminals.**

**ANDSF for the protection of the people!**

**Brave ANDSF soldiers have modern equipment and the will to win in the fight against terrorist groups. Security forces will not waver in their mission to keep the people safe from these criminals.**

**ANDSF for the protection of the people!**



جغد گیسو

کریمه شیرنگ

# برای تساوی جنسیتی نگاه‌ها به جهان باید از انحصار مردانه برآیند

برای تغییر باورهای ناپسند؛ معرفت‌شناسی، تلقی‌ها و تفاسیر زنانه باید عرضه شود.

زنان حق دارند به جهان از دید خود نگاه کنند، احساسات و عواطف زنان به مراتب قوی‌تر نسبت به مردان است

من اما ظهور دلم را  
در صداقت چشم آسمان تماشا کردم  
منی که حتی سایه ام را  
بی جا کردند  
اتاق کوچک من  
گشتارگاه بزرگی لب خند جوان  
شبرنگیست که او را  
درد بی هم زبانی می شکند  
می شکم  
وقتی کوه‌های بزرگ سر زمین مرا  
به تاراج می‌برند.  
و تنها قامت بلند دستان من  
دو فاتح ابر مرد روزگاریست که  
از ایستاده‌گی پامیر و صداقت دهکده های کوچک  
قصه‌ی عجیبی دارد.  
«من برخاسته ام»  
و دیگر نه خواهیم گذاشت  
که آفتاب را در قلمرو شهر انتحار کنند  
می شکم وقتی  
تنهایی پنجره‌ی کوچکم را  
محاصره می کند  
پنجره‌ی که گاهی ناتوانی ام را از آن بیرون می کنم  
و چادر غصه ام را می تکاندم.  
می شکم وقتی  
«فریادهایم غریبانه و بی جواب بر می گردد»  
و انسان رسالتش را در هیاهویی نمی دانم...  
«هیچ» گم می کند  
می شکم وقتی  
اندیشه ام  
آزادی ام  
و توانایی ام را  
در چار راهی بزرگی بی «انسان» به دار می آویزند  
می شکم  
پارچه های تن من تمام کوچه را پر می کند  
وقتی کسی نمی داند  
برای چی شکسته  
سخت تر از همیشه می شکم  
من می شکم  
تلخ  
تلخ  
تلخ

و هیچ کس نمی داند برای چی؟



گفتگو صادق سهیل، استاد دانشگاه  
و رییس انستیتوت تحقیقات استراتژیک و مطالعات توسعه افغانستان

عقیده هستم که یک انسان زن زاده نمی‌شود. دویووار به همین منوال استنباط می‌کند که ساختارهای اجتماعی/فرهنگی (هم‌چون ازدواج، مادری، روابط زن-مرد)، تاریخ و افسانه‌های محدود و تعریف شده دختران را از آنان کودکی مجبور به پذیرفتن نقش‌های مشخصی می‌کنند. به این دلیل است که زنان در جای‌گاهی پایین‌تر از مردان قرار می‌گیرند. دویووار زن برابری خواه بود که با افکارش جامعه مردسالار و سنتی غرب را در سال ۱۹۴۹ و در سال‌های بعد از آن به شدت تکان داد. در موج‌های اول، دوم و سوم فمینیسم، کتاب «جنس دوم» سیمون دویووار نقشی اساسی و مهمی بازی می‌کند. اندیشه‌های فمینیستی لیبرال، رادیکال، مارکسیستی، روان‌کاوانه و سوسیالیستی هم‌واره به طرزهای مختلف از تئوری و نظریه‌های دویووار متأثر اند.

**سوال: چطور می‌توانیم خشونت علیه زنان را کاهش دهیم؟**

خشونت علیه زنان دشمنی با اسلام و بشریت بوده و تساوی حقوق زن، مبارزه با جهالت و عقب ماندگی و یگانه حلال تضمین شده مشکلات بزرگ اجتماعی، اقتصادی، امنیتی، سیاسی و... است. اما برای رسیدن به تساوی جنسیتی، زنان نخست باید به قدرت نرم دست یابند و مبتنی بر روش سیستماتیک و برنامه‌های منسجم‌تر به کاهش و محو تدریجی تبعیض بی‌پردازند، که در این بخش باید گفت که برای احقاق حقوق زنان، حرکت و برنامه‌های فمینیستی در افغانستان مستلزم ورود آگاهانه و محتاطانه به فضاهای معرفت‌شناسی و پدیدارشناسی در مراحل پست مدرنیستی و اگزیستانسیالیسم است. خیلی مهم است که اکنون توجه بیشتر به این شود که برداشت زنان از خودشان چیست و از نظریات مردان نسبت به خودشان چه مفهومی در دست دارند؟

**سوال: چطور می‌توانیم به برابری جنسیتی برسیم؟ مطالعات دقیق نظریه‌ها و بررسی نکات قوت و ضعف سه جریان درهم پیوسته اجتماعی-فکری در معرفت‌شناسی و روش‌شناسی فمینیسم نهایت مهم است. تمرکز موج اول فمینیسم روی توانمندسازی زنان بود، موج دوم به برجسته ساختن نقش مرد به عنوان عامل اصلی نابرابری جنسیتی در ساختارهای اجتماعی، پرداخت؛ اما موج سوم عمدتاً روی فراجنسیت‌گرایی متمرکز بوده و مساله زن را در گستره‌ی یک نهضت فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و حقوق بشری مطرح می‌کند. با درک نکات قوت**

و ضعف گفتمان‌های غالب در کشور، می‌توان به اهداف و خواسته‌های مشروع در تساوی جنسیتی دست یافت. جنبش فمینیستی در افغانستان تا کنون، فقط بر دو نکته متمرکز بوده است (تعریف زن چیست؟ و تلقی مردان از زنان چیست؟)، اما لازم است که اکنون توجه بیشتر به این شود که برداشت زنان از خودشان چیست و از نظریات مردان نسبت به خودشان چه مفهومی در دست دارند؟ و اما در عمل، باید تغییر را از خود و از خانه‌های مان شروع کنیم، مثل خوش‌حال شدن از به دنیا آمدن یک کودک دختر. به دختران از همان آنان کودکی دیکته نه‌کنیم این‌که چون فقط «مونث» هستند باید کار خانه را یاد گرفته و بلافاصله وظیفه خود بدانند، بیرون بازی نه‌کنند، بلند نه‌خندند و با جنس مذکر معاشرت نه‌کنند. اما متأسفانه در اکثر خانواده‌ها وضعیت چنین است؛ دختران آن‌قدر با این «بکن‌ها» و «نه‌کن‌ها» بزرگ می‌شوند که باور می‌کنند نسبت به مردان «انسان» کم‌تری هستند. هم‌زمان پسران طوری بار می‌آیند که فکر می‌کنند چون فقط «مذکر» هستند، انسان‌الواتری نیز هستند. این ناخودآگاه، این اجازه را به آن‌ها می‌دهد که خود را صاحب تمام عیار جنس «مونث» ببندارند و بر آن‌ها امر و نهی کنند. پس برای برابری جنسیتی این کوچک و بزرگ کردن‌های کاذب را باید در همان ایام کودکی از بین برد و به هر دو جنس فرصت انجام دادن کارهایی که مردانه و زنانه پنداشته می‌شوند داد.

**سوال: زنان پیشناز و فعالین حقوق زنان چقدر مسوول اند؟**

اتفاق و اتحاد در روش‌های گفتمان‌های متکثر فمینیستی در افغانستان (سکولارها، اصلاح طلبان و سنت‌گرایان) می‌تواند منجر به دست‌آورد‌های ملموس و تدریجی نزدیک به اهداف مطلوب شود. معرفت‌شناسی، تا به امروز، تحت تأثیر دیدگاه‌های مردانه بوده است، ولی زمان آن فرا رسیده

گفتگو  
گفتگوگردان: آمنه امید

**سوال: ماهیت بحث اندیشه فمینیسم و ادعای آن چیست؟**

معمولاً وقتی از فمینیسم صحبت می‌شود، مخاطبان، چه موافق و چه مخالف، تصور شان این است که فمینیسم فقط و فقط یک نهضت و جنبش زنانه است با هدف کسب آزادی برای زنان یا کسب حقوق زنان یا حتی بدتر، برای بر کنار کردن مردان. حساسیت‌ها و دیدگاه‌های منفی که در افکار عمومی یا در محیط‌های مذهبی نسبت به فمینیسم وجود دارد، ناشی از عدم شناخت آن است. بحث فمینیسم بر سر آن‌ست که تا کنون فقط مردان به جهان، چه جهان بیرون و چه جهان درون، نگاه کرده‌اند. تا حال فقط مردان به روان‌شناسی، متافیزیک، معرفت‌شناسی، وجودشناسی و... پرداخته‌اند و تفسیرهای خودشان را از آن‌ها گزارش کرده‌اند. حالا زنان می‌خواهند خودشان به عالم نگاه کنند و تفسیر خودشان را بدهند و گزارش‌شان را در کنار گزارش مردان بگذارند. مباحث مربوط به فمینیسم همانند سایر مفاهیم وارد در افغانستان که از فقر روش‌شناسی رنج می‌برند و این مفهوم بزرگ اکثراً در ابهامات مفهومی گیر افتاده است. در افغانستان به بحث‌های آکادمیک و تحلیل پژوهشی که ابعاد این مساله را بررسی، تعریف و باز تعریف کند تا هنوز کم‌تر توجه صورت گرفته و به‌شدت نیازمند مطالعات جدی و دقیق می‌باشد، تا در روشنی آن روش‌ها و راه‌کارهای درست را تنظیم نموده و برای ادعا و آرمان بزرگ برابری جنسیتی نزدیک‌تر شویم.

**سوال: خوب جناب صادق سهیل اگر مشخصان تعریف و انواع اندیشه فمینیسم را کمی توضیح دهید؟**

فمینیسم باور داشتن به حقوق زنان و برابری سیاسی، اجتماعی و اقتصادی زن و مرد است. فمینیسم مباحثه‌ای است که از جنبش‌ها، نظریه‌ها و فلسفه‌های گوناگون تشکیل شده است که در برابر تبعیض جنسیتی و حقوق زن مبارزه میکند. تعریف‌هایی که از فمینیسم تا اکنون مطرح شده، تحت تأثیر تربیت، ایدئولوژی یا طبقه‌ی آن‌ها شکل گرفته است. فمینیست‌های لیبرال بر لزوم برابری در عرصه‌ی عمومی تأکید می‌کنند، فمینیست‌های مارکسیست نظام سرمایه داری را عامل اصلی تبعیض جنسیتی بر می‌شمارند، فمینیست‌های رادیکال مردسالاری در حوزه‌ی عمومی و خصوصی را زیر سؤال می‌برند و نظریات روان‌کاوانه برای تفسیر نابرابری سود می‌برند و فمینیست‌های سوسیالیست مردسالاری و سرمایه داری را با هم نقد می‌کنند و راه‌کار آرایه می‌دهند. پست-مدرن‌ها در باب مسایل زنان معتقدند که اساساً آرایه تفسیری واحد و کلی در باب واقعیت، حقیقت، معرفت اخلاقی و سیاست، در واقع تداوم فرهنگ مردسالارانه است، در حالی که در مقابل این‌گونه تفسیرها، چندگانه‌گی و کثرت امری مطلوب و ضروری به نظر می‌رسد. میشل فوکو و ژاک دریدا، دو پست مدرن برجسته، تلاش کردند تفسیرهایی از فمینیسم آرایه دهند. در حالی که دریدا در مباحث اندیشه‌ای به «ساخت‌شکنی» توجه داشت، فوکو تلاش نمود تا بحث از «قدرت و همبستگی اش با دانش» را گسترش دهد. فمینیسم سیاه، اکوفمینیسم، فمینیسم پسااستعماری و پسا فمینیسم نیز نمونه‌هایی از دیگر انواع فمینیسم است که در موج سوم فمینیسم یا به عرصه‌ی وجود گذاشته‌اند.

**سوال: در مورد پس منظر تاریخی و سیر تکامل اندیشه فمینیسم...؟**

خوب در واقع ریشه پیدایش اندیشه فمینیسم در اصل به قرن هفدهم باز می‌گردد. حرکتی که از قرن هفدهم میلادی به نام حقوق فطری و طبیعی بشر آغاز شد و در قرن هجده، در فرانسه پررنگ‌تر شده و به ثمر نشست. نهضت زنان، در قرن نوزدهم در فرانسه گسترش قابل ملاحظه‌ی یافت. دستیابی به حق رای برای زنان انگلیس در سال ۱۹۱۸ یکی از جلوه‌های پیروزی فمینیسم بود و پس از آن فروکش کرد. برخی، دو دهه اول قرن بیستم را سال‌های خیزش موج اول فمینیسم می‌نامند. پس از جنگ جهانی دوم و در سال ۱۹۴۵، نظریه برابری زن و مرد طرفداران بسیاری یافت و سرانجام برای اولین بار در اعلامیه جهانی حقوق بشر، که از طرف سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۸ میلادی به نشر رسید، تساوی حقوق زن و مرد در سطح جامعه ملل مطرح شد.

سوال: چرا زنان همیشه به صفت جنس دوم تلقی شدند و چطور می‌توان بر این باور نادرست فایق آمد؟ شما به موضوع خیلی خوبی اشاره کردید، اگر اشتباه نه‌کنم سیمون دویووار، فیلسوف، فمینیست و اگزیستانسیالیست فرانسوی در کتاب «جنس دوم» خود استدلال می‌کند که یک «انسان» زن زاده نمی‌شود بلکه «تبدیل» به یک زن می‌شود. این باور پذیرفتنی‌ست و من هم شخص به همین

**سوال: زنان افغانستان چگونه میت‌وانند یکی از بنیادی‌ترین حق (حق تحصیل) را به‌دست آورند؟**

ممانعت رفتن اکثریت دختران به مکتب مبتنی بر باورها و سنت‌های ناپسند از طرف خانواده و یا عدم اجازه ادامه



تحصیلات از جمله مشکلات جدی فراروی زنان در کشور می‌باشد؛ مری ولستون کرافت فمینیست و فیلسوف قرن هجدهم انگلستان و نویسنده کتاب «احقاق حقوق زنان» که از جمله نخستین کتاب‌هایی فمینیستی دانسته شده، وی در این کتاب به دفاع از برابری حقوق زن و مرد پرداخته است و کتاب پاسخ به کسانی است که تحصیلات را حق زنان نمی‌دانند. ولستون کرافت در دفاع از تحصیلات برابر زنان و مردان، تحصیلات زنان را برای جامعه مؤثر دانسته چرا که می‌توانند به فرزندان‌شان بیاموزند و هم‌چنین در فعالیت‌های اجتماعی کمک شوهران‌شان باشند او هم‌چنین به تبعیض‌های جنسی تاخته و به نقد مردانی می‌پردازد که زنان را به افراط در احساسات تشویق و آن‌ها را تنها کالاهای زینتی می‌دانند. در مسیر دشوار رسیدن به تساوی جنسیتی، جنبش‌های فمینیستی با درک و مطالعه دقیق از وضعیت همه جانبه حاکم مردسالار در جامعه، دست‌آورد‌های اخیر را حفظ نموده و محتاطانه، آهسته ولی پیوسته به پیش بروند. یکی از عمده‌ترین روش‌های که مردان را باید تلقین داد و به قناعت رساند، بازی نمودن نقش الگو زنان که پیشناز و مطرح کشور است. به نظر من اکنون آن‌عده مردان مخالف حقوق زنان نیز به اهمیت حضور زنان در سطوح مختلف ادارات و جامعه برای عرضه خدمات پی برده‌اند و به خوبی درک نمودند که ما به دکتر زن، پولیس زن، استاد زن و... ضرورت داریم. قابل یاد آور نیست که نه تنها در مورد فمینیست‌ها، در مورد کل متجددن با مشابته‌ها و مغالطات لفظی روبه‌رو می‌شویم. آن‌ها خودشان را با این روی کرد پیش بردند و به این‌جا رسیدند، مثل این‌که مثلث در مورد سکولاریسم می‌گویند که با دین معارضة ندارد و یا این‌که می‌گوید دین چیز شریفی است اما باید مثلاً در طلاق چه باشد. این تفاسیر و تعبیر کج و نادرست از مسایل، منشا موضوعیت پیدا کردن چنین انتقادهایی می‌شود و الا اگر درست به قضیه نگاه کنیم موضوعیت ندارد.



Nimrokh Weekly

سال اول • شماره ۲۱ • دوشنبه ۹ دلو ۱۳۹۶  
Monday • January 29, 2018  
Vol. 1 • No. 21



خوانندگان عزیز: نیمرخ بدون جهت گیری خاص سیاسی مقالات و نوشته‌ها را از صاحب نظران منتشر می‌کند.  
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: فاطمه روشیان  
سرمدبیز: ریچانه رها  
گزارش گر: آمنه امید  
عکاس: نیلوفر نیکپور  
مشاور برنامه ریزی: مریم شاهی  
زیر نظر هیئت تحریر  
به جز روی کرد نیمرخ سایر نوشته‌ها مسئولیتش به دوش نویسندگان می‌باشد.  
هفته نامه نیمرخ در ویرایش مطالب دست باز دارد.  
شماره تماس: ۰۷۸۶۶۷۷۵۹۹  
آدرس الکترونیکی:  
NimrokhweeklyV@gmail.com

کبر فرزانه فراسو



## هانا آرنت

هانا آرنت در سال ۱۹۰۶ در لندن در یک خانواده‌ی مرفه یهودی چشم به جهان گشود. والدین وی اگر چه لیبرال و غیرمذهبی بودند، اما هانا را با این روحیه تربیت کردند که در مقابل یهودی‌ستیزی ساکت نه‌نشیند. هانا آرنت پس از پایان دوره‌ی متوسطه، در ۱۸ سالگی وارد دانشگاه ماربورگ شد. او تحصیل خود را در رشته‌های فلسفه، ادبیات یونان و الهیات مسیحی در دانشگاه ماربورگ آغاز کرد ولی پس از چندی تحصیلات خود در ماربورگ را رها کرد و به دانشگاه هایدلبرگ رفت و رساله دکترای فلسفه خود را در سال ۱۹۲۶ با عنوان «مفهوم عشق از نظر آگوستین قدیس» یا کارل یاسپرس، فیلسوف بزرگ آلمانی گذراند که بدان روزگار از منتقدان سرسخت آرا هایدگر و تفکر محافظه کارانه بود. هانا آرنت که از دوران تحصیل در دانشگاه هایدلبرگ به بعد به یکی از با نفوذترین و خوش فکرت‌ترین رهبران چپ آلمان بدل شده بود، از مخالفان سرسخت نازی‌های آلمان و از مدافعان شوراهای انقلابی چپ بود.

آرنت در سال ۱۹۲۹ به برلین رفت و نخستین کتاب خود را که با عنوان زندگی‌نامه «راحل فارنهایگن» منتشر کرد. حکومت نازی هانا آرنت را پس از شعله‌ور شدن آتش جنگ جهانی دوم به اردوگاه‌های مرگ و کوره‌های آدم سوزی اعزام کرد اما چون آرنت دارای بخت فلسفه و نظریه سیاسی بلندی بود، هانا آرنت از اسارت فرار و سرانجام به آمریکا مهاجرت کرد. در سال ۱۹۵۱ تابعیت ایالات متحده را گرفت و در آمریکا استاد کرسی نظریه‌های سیاسی بود. او بیش‌تر وقت خود را صرف تدریس در دانشگاه‌های پرینستون، شیکاگو و «مدرسه جدید پژوهش‌های اجتماعی» و نوشتن آثاری مهم در فلسفه سیاست کرد. دغدغه‌های مهم آرنت عبارت بود از: خودکامه‌گی، ماهیت شر و تضعیف مشارکت عمومی در روند سیاسی.

کتاب مشهور هانا آرنت با عنوان «عنصرها و خاستگاه حاکمیت توتالیتر» در سال ۱۹۵۱ به زبان انگلیسی منتشر شد. این کتاب آرنت را به یکی از مشهورترین و با نفوذترین نظریه پردازان دوران خود بدل و کتاب قدرت و قهر، از مهم‌ترین آثار هانا آرنت، جایگاه او را چون یکی از نظریه‌پردازان

بزرگ قرن بیستم، تثبیت کرد، همین اثر در سال ۱۹۵۵ به چاپ رسید. آرنت در این اثر با رژیم‌های توتالیتر ناسیونال سوسیالیستی و استالینیستی از نظر سیاسی تسویه‌حساب کرده‌است. این اثر با زتاب گسترده‌ای در میان متفکران و محافل سیاسی جهان داشت و آوازه‌ی هانا آرنت را به عنوان اندیش‌مند سیاسی تثبیت کرد. هانا آرنت در این کتاب و در دیگر آثار خود نقدی عمیق، نو و ساختاری از مباحثی چون نسبت روان‌شناسی توده‌ها و حکومت‌های توتالیتر، نسبت عرصه عمومی و خصوصی و نسبت آزادی و فردیت با قدرت سیاسی به دست می‌دهد.

هانا آرنت در کتاب ابتذال شرور در تحلیل محاکمه آدولف آیشمن، از سران نازی که در اسرائیل محاکمه شد، تحلیلی جامع از یهودستیزی و هولوکاست به دست می‌دهد او با قدرت گرفتن فاشیسم، دو بار دچار خطر جانی شد؛ یک‌بار در سال ۱۹۳۳ مدتی در زندان آلمان و بار دیگر در سال ۱۹۴۰ در فرانسه اشغال‌شده، زمانی که در اردوگاه‌های موقت انتقال به کوره‌های آدم‌سوزی هیتلری بود؛ و پس از این که در سال ۱۹۵۱ تبعه آمریکا گردید. بعدها نوشت که زبان اول تبعیدش فرانسوی و زبان دوم مهاجرتش، انگلیسی شد.

هانا آرنت تحت تاثیر کانت، هوسرل، هایدگر، کارل یاسپرس، روزا لوکزامبرگ، هگل، رودولف بولتمان، مارکس و ادبیات یونان باستان بود اما رابطه پدران اش با یاسپرس، رابطه شاگردی با هوسرل و رابطه عاشقانه‌ای که با هایدگر داشت، برجسته‌است.

در دوران دانش‌جویی هانا آرنت به مارتین هایدگر استاد فلسفه خود دل بست. اما متاهل بودن هایدگر، چشم‌انداز رسیدن به او را برای هانا

آرنت تیره می‌ساخت. او در کتاب «سایه‌ها» سعی می‌کند گذشته و سیمای روحی خود و احساسش را نسبت به هایدگر شرح دهد هرچند که نامه‌های خصوصی بین این دو در اختیار محققان قرار نمی‌گیرد، اما این کتاب گویای ناگفته‌های بسیاری است. آرنت برای دوره کارشناسی ارشد و فرار از پیامدهای روحی و مادی این رابطه به «هایدلبرگ» مهاجرت می‌کند و زیر نظر کارل یاسپرس، در نقطه مقابل هایدگر به ادامه تحصیل می‌پردازد، و رساله دکتریش را پیرامون «مفهوم عشق از نظر آگوستین» می‌نویسد.

هانا آرنت بعد از مبارزه و سختی‌های زیاد در ۴ دسامبر ۱۹۷۵ در آمریکا فوت کرد.

یادش گرامی



Violence is not the answer! Walk on the path of peace!

Violence is not the answer! Walk on the path of peace!

Brave security forces have the upper hand against the Taliban and other terrorist groups, and their demise is inevitable. But it's not too late to reconcile and reintegrate for a peaceful Afghanistan.

Brave security forces have the upper hand against the Taliban and other terrorist groups, and their demise is inevitable. But it's not too late to reconcile and reintegrate for a peaceful Afghanistan.